

## آسیب شناسی پژوهش در دهه هشتاد: چهار "ت" مخرب

دکتر مهدی هدایتی<sup>۱</sup>

### مقدمه

آدمی، اولاً بالذات حیوان است و ثانياً بالاعراض انسان. براستی کدامین حق است؟ انسان حیوانی است ناطق؟ انسان حیوانی است متفکر؟ انسان حیوانی است مکلف؟ انسان حیوانی است محق؟ انسان حیوانی است مسئول؟ انسان حیوانی است مرگ آگاه؟ انسان حیوانی است پرسشگر؟ هر یک از جملات فوق نظری از انظار فیلسوفانی است که عمر خویش را به تفکر، تفقد و تفلسف گذرانیده اند. صحت، سقم و صوابی هر یک از این گفتار و یا تلفیقی از آنان مورد بحث این نوشتار نیست، لیک در وادی پژوهش، موخر آنان، انسان حیوانی است پرسشگر پذیرفتنی است. لذا پرسش و پژوهش پدیده ای بشری تلقی می گردد. اما به مثابه هر پدیده بشری، پژوهش نیز می تواند مبتلا به آفات عدیده ای گردد. تبیین و هویدا نمودن آسیبهای این حیطه مهم، ارتباطی وثیق با شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد. لذا منظر نظر، پرهیز از عام گویی عام گرای، و پرداخت به دقت صدق و بررسی به مصداق بوده و این بررسی آسیب شناسانه به مناسب قرابت به حلول سال نوین شمسی به دهه هشتاد نغور خواهد داشت. شاید بتوان در مقام درمانگری پیشنهادهایی جهت حذف بالمره این آسیبها در کف حالاً نهاد. پژوهش نیز ناظر بر جوانب شناخت شناسی، اخلاق شناسی و روان شناختی بوده و در این جوانب بالقوه دستخوش آفات تواند گردید. اما این مقال صرفاً متکفل گشایشی مجمل از آسیب شناسی اجتماعی منبعث از رویکرد وظیفه گرایانه، از مباحث محاط در اخلاق شناسی پژوهش می باشد (۱-۳).

### مولفه های فعالیت پژوهشی

از آنجایی که امور جمله گی جوهر اندُ بسیطاً مرکب اندُ بساط. فعالیت پژوهشی مصداقی از مصادیق ناجوهری و مرکبی می باشد، فلذا تصور مولفه های بیش از یک، بر آن دور از ذهن سلیم نخواهد بود. صرفنظر از فروعیات، سه مولفه اصلی بر این امر مترتب است. عبارتیبیک پژوهشگر حداقل در سه حیطه پایه ای، دست به تفقد و جستاری می زند، (۱) تلاش برای فهم علمی، (۲) جهد برای نقد علمی و (۳) کوشش برای زایش علمی. شایسته است بدواً به سیاقی منهج ذکر و بسط این مولفه ها، مدخل بحث گردند.

### مرحله فهم علمی

تقلای اول، ناظر بر مسلح شدن پژوهشگر به سلاح فهم متون و مطالب علمی است. وی می بایست گفتار یا شنیداری علمی را فهم کند. آشنایی و نه تسلط بر اموری چون، روش تحقیق، ترمینولوژی، معرفت واژ گی علمی، از بدوی ترین ابزارهای مفاهمه نویسنده و خواننده پژوهشگر می باشند. در این مولفه پژوهشگر باید بداند چه چیزهایی دانستش شایسته است تا به فهم کامل سیاهه ها و رقاع علمی نایل گردد. استماع سخنرانی هاو یا مطالعه متون علمی به شرطی بر پژوهشگر فهم اش میسر خواهد بود که اصول اربعه در این وادی را فهم کند: (۱) گویندهها نویسنده چه می گوید؟ (۲) برای که می گوید؟ (۳) چگونه می گوید؟ (۴) چرا می گوید؟ فلذا مولفه های، چرایی، چگونگی، نحو و مخاطب، اصول اربعه مفاهمه خواهند بود. این اصول ابزاری برای فهم و درک گفتارها و نوشتارهایی با رنگ و بو و صبغه علمی هستند. اینجا پرده برداشتن از راز ممارست نغزرواست. در مراتب سه گانه احساس، ادراک و افهام، حواس پژوهشگر منجر به دریافت مطلب و تکرار احساس منجر به درک موضوع، ممارست کنکاش بر مطلب مبدل درک به فهم خواهد بود. مراتب سه گانه احساس، ادراک و افهام تأکیدی موکد بر تلاشی پیوستار، بر جستاربه محقق است تا نخستین مهم تحقیق، که همانا فهم باشد به ثمر و بار نشیند (۴).

### مرحله نقد علمی

مرتب متعاقب، پس از نایل شدن به مقام فهم، قدرت نقد، تمییز و تشخیص نقاط ضعف و قوت مطالب علمی است. پژوهشگر باید توانایی کشف و نهج بایسته ها و نابایسته های مطالب علمی، جذب، نگهداری و استفاده از تازه های بایسته و ایضا تمییز هویدایی و

پرهیز از نادرست‌های مکشوفه را داشته باشد. در این مرحله لوازم مطرح در مرحله فهم، لازم بوده اما به حد تسلط و نه آشنایی. هر چند بدیهی و مبرهن به نظر می‌رسد که مرحله نقادی متعاقب و متعالی به لایه فهم است، اما وقوفی همگانی است که بعضا بدون فهم مطلبی، دست به نقد آن زده می‌شود و به عبارتی تأخر به تقدّم، مقدّم می‌گردد. عدم رعایت این دو امر پسینی و پیشینی به جدّ از آفات مراحل پژوهشی محسوب می‌گردند. داوری مقالات، پایان نامه‌ها، پیشنهادهای پژوهشی، طرح‌های ملی و امثالهم، بعضا صواب بوده و محتملا به تیغ پژوهشگران ناآشنا با حیطه مذکور، مذبوح و موزاعات مذکور ذبیح عدم تقدّم فهم بر نقد می‌گردند. از سویی موضوعاتی ناصواب، از نقد نقادان فهیم به موضوع، به دور مانده و گریزپایانه، استعدادهای محصور به حدّ پژوهشی کشور را به یغمای سوء تقدّم مذکور می‌برند. پس فهم علمی و نقد علمی مراحل و سطوحی مجزا و متعاقب تلقی می‌گردند، چه بسا بتوان مطلبی را فهم کرد اما در مقام نقد نتوان آنرا تایید یا رد نمود. پیش چشم داریم که نقد، اصلاح مخلوق است نه خالق اثر و آنرا فرق است با ایراد، که نصب عیب است بر خالق موضوع و فاقد توفیر. بایسته نیست تیغ نقد به تساهل و تسامح کند گردانیده شود. لذا استقبال از نقد، آنهم نقدی به حد فخامت و پرهیز از ایراد، نه شرط عقل، بل حکم اخلاق نیز هست.

### مرحله زایش علمی

هر پوینده طریقی، آغاز و کمالی دارد. کمال رسالت پژوهشگر متاخر به فهم و متعاقب به نقد است، او می‌رود تا در وادی تخصصی خویش، بخواند، بشنود، بفهمد، اترسام و امتثال را وا نهد، به تیغ نقد، شرحه شرحه نیک مطلب گزیند و رهسپار و دست بکار زایشی نو و ابداعی جدید گردد و خرغ خرقی نوین در اندازد. مسلما زایش بسان هفت خوانی، بس صعب‌پیچیده و طاقت فرسا تر از فهم و نقد خواهد بود. رهسپاری و حرکت با آمال و ایماژ زایشی، در عرصه ایی مملو از حریفان قدر، انرژی می‌خواهد و انگیزه، صد البته ابزار پویش و زایش نیز. غالب پژوهشگران تخت بند اطناپ کمبود اقتصادی اند و اقتراح التیام ضرب شلاق بی مایه گی بر گرده پژوهش دارند، اما این امر آفتی تلقی نمی‌گردد، که نهایت ترمزی مزاحم در نظر آید. صحبت آفت در خصوص پژوهش‌های مختوم ناصواب و عقیم است نه انواع ناآغاز و یا آهسته رو. حال نوبت به ذکر عاملان و آمران آفات پژوهشی، نه به سر انگشت اشاره و انتظار فحوا، که فاش گفتن رسید. این آفات و آسیبها از پژوهشگری به محقق دیگری، از استادی به دانشجو سرایت و صبرورت دارد. پس بی هیچ استنکاف، معرفت یافتن بدین ساریان، تهی از لطف نیست (۵).

### ساریان آفات پژوهشی

براستی آفات پژوهشی از کدامین آلوده مجاری، سرایت می‌کنند؟ ساریان این آفات کدامین؟ اصطلاح سیستم باز، تاثیر و تائثر از عوامل درونی و بیرونی را بار معنا بدوش دارد. از این رو تحلیلی منصفانه به این صنف، اغماض هر یک را ناصواب و بی ثواب می‌گرداند. به عبارتی معطوف بودن صرف، به امور درونیا بیرونی، گر هر دو خبط نباشد حدی است محدود. اینجاست که هر خلطی خبط نیست. همانگونه که تک تک پژوهشگران به عنوان اعضای مجموعه درونی تلقی می‌گردند، سیستم‌های مدیریت پژوهشی در سطوح دانشکده ها، دانشگاه ها و وزارتین، اهم عناصر بیرونی این سیستم اطلاق می‌گردند. در اینجا رخصت مجمل نگاهی به هریک از عوامل مذکور اقتراح می‌گردد. باشد تا نقش مخرب و آسیب رسان هر یک بوضوح بر پرده عیان، وز پرده برون افتد. تغایت، تغلب بر آنانست نه تغلب آنان.

### ارکان اربعه یا چارگانه ساریان درونی

صفات چون ابزار مستقل و گریز از ارزش گذاریند. ترکیب صفت و موصوف، جهتداری اخلاقی به خود می‌گیرد. شدت، تصویری بیش نیست، لیک شدت خشم و شدت مهر، جهت اخلاقی ذهن را کم کم صورتبندی می‌کنند تا به مدغم فعل، اکمل گردد ملازم و مساوق سازد. در تبیین مولفه های درونی ساری آفات نیز، تشخیص صفات متصف به عوامل، گام اول و پله نخست می‌باشد.

(۱) تعجیل، (۲) تک روی، (۳) تکرار، (۴) تهی از کاربرد، چهار صفت آغاز به "ت" و چهار ستون آفات و آسیب پژوهشی زایا محسوب می‌گردند، هر چند به استقصاء شاید علل تام نباشند. یحتمل چهارستون آفات مربوط به زایش پژوهشی و پژوهشی زایا را در انگیزه های ناصواب، بتوان صورتبندی کرد. جهدی بر انکار اثر متقابل مولفه ها بر هم نیست لیک به سبب سهل نقل مطلب، شرحه وار و تقلیل گرا، به هر مولفه به استقلال نظر می‌افکنیم (۶).

### ربع اول یا چارک نخست

گریزش موضوعی مرزی و یا نزدیک به حد و مرز دانش که شایسته زایش باشد با تعجیل حکم خربزه و غسل است و عاقبتی جز درد پژوهشی به بار نخواهد نشاند. صبوری و تامل، تحمل و تفکر، شرط تحقیق و اوصاف محقق است. بررسی جامع و نظری همه جانبه نیازمند وقت و زمان است، تعجیل جز محصلی کم یا بی کیفیت به ارمغان نخواهد آورد. زمان عاملی است مخرب و ویرانگر، هیچ چیز

جز حقیقت، تاب توان ایستادگی در برابر آنرا نداشته و ندارد. با سلاحی همسان به مصاف او باید رفت، با صرف زمان می توان اثری حقیقی و در خور پدید آورد که ماشین زمان نیز قدرت تخریب و انکار آنرا نداشته باشد. پس هراسی از گذاشت وقت نباید داشت که گذشت آن هراسناکترست. قصد تایید بر هومئوپاتی منظور نیست بل تمثیلی است بر شیوه مبارزه از او بر او .

### ربع ثانییا چارک دیم

زمان بوعلی سینیای و تک دانی، همه چیزدانی، به ذنب گستره بی حصر علم و دانش به سر آمده و زایشهای علمی درخور، جز با تخصص، کارگروهی و عقل جمعی به بار نمی نشینند، پژوهش ما بسان ورزشمان به صد افسوس گویی با جمع کاری منافات ذاتی دارد و مدال کشتی، بی پیشرفتی فوتبال، تمثیلی ملموس از این روحیه ناصواب است. فرق است میان فرهنگ و تمدن. فرهنگگیرون کشیدن دانش، معرفت، استعدادهای نهفته، پدیده ها و تراوشهای نو و نو پدید انسانی، از نهاد و درون انسان، و جلوه گر ساختن آنها در جهان انسانی است. اما تمدن یا سیویلازاسیون روشن ساختن سیر تکاملی و تاریخی جامعه ها و ملت ها برای پاسخ گفتن به نیازهای مادی و امور شهری می باشد. کشورمان با بیشینه تمدن چند هزار ساله بی نیاز از فرهنگ در شاخه های عدیده آن نخواهد بود. این آفت تک دانی و تک روی، نیازمند اصلاحی ریشه ای، آموزشی و فرهنگی است. به نقل از صاحبان خرد، نیک سرانجامی میسر و متصور نیست بر امور، مگر اولین گام برداشته شود. ایمازی صواب است و ثواب در پی، که هر محقق و پژوهشگری بی فوت زمان قدمگذار این مسیر و سازنده این فرهنگ گردد.

### ربع ثالث یا چارک سیم

تفریق تولید و زایش، به دلیل نزدیکی مرزشان خلط موضوع نزد بسیار کسان، منجمله محققان گردیده است. آری تکرار یا شبیه سازی پژوهشی، بسان گزارشات موجود، با تغییر برخی مولفه های نه چندان تاثیرگذار، در نتایج صبروری، محتملا به تولید نبنشتاری ختم گردد که زایشی نو تلقینخواهد شد. تطور حرکت در داخل مرزهای دانش فرقی فارق با به پیش بردن مرزهای آن دارد. بایستگی خرچ صرف پتانسیل محصور به حدپژوهشی کشور اعم از نیروی انسانی، تجهیزات، مواد و پشتیبانی تام موارد مذکور، جهت رژه ثبتي در موضوعات موجود و فارغ از خلقی نو کجاست؟ تکرار، عنصری موثر و سازنده در مراحل فهم و نقد، اما مخرب در سطح زایش است. بی هیچ اغماضی، طرحهای فاحش و آشکارا تکراری، می بایست به بی فوت وقت به مسلخ گسیل داشته شوند تا به خون آن مذبوحین، درخت زایای دانش آبیاری گردد و به فحامت گراید. تعجیل به مسلخ، کمتر بهره اش صیانت از عمر و زمان صاحب طرح نیز هست .

### ربع رابع یا چارک چارم

آموزه هایی چون اهم و فی الهم، واجب و مستحب، تقدم و تاخر و قس علی هذه، حکایت از تدبیر به شرایط و نیازها و صرف مدبرانه استعدادهای و هزینه ها دارد. بسیار جوامع پیشرفته علمی که نیازهایی محتاج به پاسخهای علمی را مرتفع ساخته و به مرحله تامین رفاه و نیازهای درجه دو به یاری علم ورود کرده اند. اما تا چه حد می توان برای عقب نماندن از قافله علم در پی آنان دويد، به آنان احتجاج کرد و بر نیازهای اولیه جامعه مان چشم بر بست؟ اگر نه به افراط، صرفا در مرزهای دانش تقدم کنیم و نه به تفریط، در چهارچوب نیازهای کاربردی خود را محصور و محبوس کنیم، به تدبیر و درایت، توزیعی عاقلانه و منطقی میان این دو مهم می بایست برقرار و مدیریت نمود و چه بسا اولویت به امور کاربردی تعلق گیرد. بحث نظر، شاید منطبق و متلائم بر شناسایی و پیشگیری این آفت باشد، لیک سیاهه و رقع منتشره پژوهشگرانمان در دهه گذشته حامی عملی این مهم نبوده است. شاید ضروری به ذکر حرکت در چارچوبهای اخلاقی در کلیه مراحل امور پژوهشی نباشد، که به کمند قانون اسیر کردن و در قید نمودن انواع صور کم اخلاقی، به حصر عقلی و منطقی میسر نباشد. حس حضور ناظر بالایی مطلق و ناظر درونی، دوبال طیران اخلاقی در هر وادی اعم از علمی و اخص از علمی دارد.

### ساریان بیرونی

چهار ستون آسیب شناسانه فوق به امور درونی یعنی پژوهشگران به عنوان اعضای خانواده پژوهش تعلق گرفت، اما نباید بی هیچ فرافکنی، تاثیر عوامل بیرونی و تحمیلی را از نظر دور داشت. انگیزه های بیرونی نه چندان متلائم با غایت زایشی پژوهش را نیز باید از مکمن خود بیرون کشید تا نقش آن به سیاقی منهج آشکار گردد. گویند اعتقاد پیروان بسته به اعتقاد پیامبرشان است. تحقیقات پیرو سیاستهای تحقیقاتی و پژوهشی واحدهای مدیریت پژوهشی در سطوح و لایه های زیرین تا زبرین لایه، در وزارتین اند. تمامی وقاها و فراقها در امر پژوهش در قید و چارچوب اطباب بند سیاستگذاری کانونهای مذکور خواهد بود و این امر حاکی از سنگینی بار مسئولیت و نیز تاثیر گذاری ژرف و بلند مدت سیاست نامه ها، بخشنامه ها، دستوالعملها و هرگونه صادرات مصدري از منشاء یاد شده است. سیاستهایی چون: در بند بودن ارتقانات علمی به انتشارات پژوهشی، وابستگی امتیازات به تعداد مقالات سالانه، تخصیص امتیازات بیشتر به مقالاتی با نویسندگان کمتر، امتیازدهی به نسبه صرف، به نفر اول و کمرنگ نمودن نقش عقل جمعی و مشاوره تخصصی از اهم انگیزههایی است

کهاگر ضد زایشی نباشند می بایست نازایشی تلقی گردند. شناسایی نیازهای جامعه که پژوهش، بندگشای غل و قید آنان است، در حد کلان و جامع در حیطه نگاه هیچ تک پژوهشگری نمی گنجد. استناد به، ره پیموده پیمودن خطاست، گزینش نقاط مثمر و توفیر سایر جوامع را نه تنها مجاز که واجب می انگارد، اینجاست که چرایی ارائه لیست سالانه موضوعات پژوهشی از سوی عالیترین سطح موسسات بهداشتی برخی کشورها هویدا می گردد، اینست که محققان پیروان و طی طریقان موضوعات به انگشت اشاره صاحب سیاستان مدبر می گردند.

### خلاصه و نتیجه گیری

وادی پژوهش نیز مصون و فارغ از سرایت عوامل عفونی نظری و عملی نیست، غایت پژوهش زایش و رویش علمی است و این مهم متاخر به فهم علمی و فهم علمی، مقدم به نقد علمی است. پس از طی طریق سه گانه فهم، نقد، زایش، به جد از ساریان آفات این وادی برحذر و مبرا باید بود. ارکان اربعه ساریان درونی آفات پژوهشی، ستونهای چهار "ت" بودند اعم از تعجیل، تک روی، تکرار و تهی از کاربرد. از آفات بیرونی امر پژوهش نه بود، بل کمبود سیاست جامع و کلان، نقض تدابیر تشویقی و خلاف تشویقی من جمله وابستگی تام ارتقانات علمی به انتشارات پژوهشی در ظرف زمان معین، ارج و قرب به مقالات کم تعداد نگار، تقسیم امتیازات مالی و علمی فی مابین نویسندگان، که سخت مانعی در اجتماع پژوهشگران و استناد عقل جمعیت. امید است با توسل و دست بدامانی به اصول ثالثیه فلسفه علم، واقع گرایی، عقل گرایی و نقد گرایی بتوان با دیدن واقعیات موجود، پیروی از عقل و خرد پژوهشی در سایه اخلاق، و نهایتا نقادی و به گزینی، مکشوف نمودن اضعاف، به اصلاح مسیر در راستای تامین اهداف جامعه انسانی رهسپار باشیم. باشد تا حلاوت دستاوردهای پژوهش‌مان التیام بخش جراحات و مرتفع نیازها و آرامش بخش جانمان باشد.

### منابع:

- ۱) منطق ارسطو، ترجمه دکتر میر شمس الدین سلطانی، انتشارات نگاه، سال ۱۳۷۸
- ۲) منطق، محمود منتظری مقدم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، سال ۱۳۹۱
- ۳) آموزش فلسفه، محمد تقی مصباح یزدی، چاپ و نشر بین الملل، سال ۱۳۹۱.
- ۴) تاریخ و فلسفه علم، هلزی هال، ترجمه عبدالحسین آدرنگ، انتشارات سخن، سال ۱۳۹۱.
- ۵) منطق اکتشافات علمی، کارل پوپر، مترجم سید حسین کمالی، عبدالکریم سروش، انتشارات علمی فرهنگی، سال ۱۳۸۴.
- ۶) فلسفه اخلاق، ویلیام کی فرانکنا، ترجمه هادی صادقی، انتشارات طه، سال ۱۳۸۹.